

مسئله زندگی و مرگ

چرا شما اینجا هستید؟ به کجا میروید؟

معنی و مفهوم زندگی شما چیست؟

آیا اختیار و انتخاب دیگری نسبت به عاقبت زندگی
خود دارید؟



A Matter of Life and Death

Why Are You Here? Where Are You Going?

What Does Your Life Mean?

Do You Have Any Choices Regarding the Outcome?

What do you think will happen when you die? Will it simply be the end of your existence? Sudden nothingness? If you believe in eternal life after your physical death, will it be lived in Paradise, Heaven or torment? So, what if you could be assured that you will continue to exist after you die in a world that is free from pain, sorrow and death? Would you be interested?

Of course, we've only been talking about what happens *after* you die. What meaning is there for your life while you're still living? Upon what teachings and beliefs do you base your opinions?

When you think about it, in order for our individual lives to have meaning, the universe itself must have meaning. Strangely, many people would tell us that the universe (whether planets and stars, or the earth, or the animal world, or even us humans) has no meaning. They insist that the universe (and us!) came about only by chance, not on purpose. But if that is right, what possible meaning could life have? The funny thing is that those same people *act* as if life has a purpose, and they too look for meaning just like the rest of us.¹

Which brings us to two very important questions: If both the universe and ourselves appear to have been designed, Who

¹ Ecclesiastes 3:11, Isaiah 45:5-6, Romans 1:20

فکر میکنید پس از مرگ شما چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا آن پایان زندگی شما خواهد بود؟ يك پوچی و نیستی ناگهانی؟ اگر به زندگی ابدی پس از مرگ فیزیکی باور داشته باشید، آیا آن زندگی در بهشت خواهد بود یا در زجر و عذاب؟ خوب، فکر کنید: چه میشود اگر مجاب شوید که شما پس از مردن، در دنیایی فارغ از درد و غم و مرگ، به حیات خود ادامه میدهید؟ آیا جالب نیست؟

البته، ما تنها پیرامون آنچه پس از مرگ روی خواهد داد صحبت میکنیم. زندگی برای شما چه معنی و مفهومی خواهد داشت در حالیکه هنوز به حیات خود ادامه میدهید؟ بر پایه چه باورها و آموزه هایی اعتقادات خود را بنا کرده اید؟

هنگامی که تفکر میکنید، برای آنکه زندگی تك تك ما دارای معنی و مفهوم باشد، جهان هستی میبایست دارای معنی و مفهوم باشد. به شکل غریبی بسیاری از مردم به ما می گویند که جهان هستی (هر آنچه از سیارات و ستارگان، زمین، یا حیوانات تا حتی ما انسانها) فاقد معنی است. آنها بر این موضوع تاکید دارند که جهان هستی (و ما!) تنها از روی شانس و اتفاقی به وجود آمده ایم، بدون هیچ هدفی. اما اگر این موضوع درست باشد، زندگی چه معنی و مفهومی میتواند داشته باشد؟ جالب اینجاست که همین دست افراد به گونه ای عمل میکنند که زندگی دارای هدفی است، و آنها نیز همچون دیگر انسانها به دنبال معنی و مفهومی برای زندگی میگردند.^۱

این موضوع دو سؤال بسیار مهم به ذهن ما می آورد: آن طراح و آفریدگار چه کسی میتواند باشد؟ و به چه دلیلی او ما را طراحی و افریده است؟

۱- جامعه ۳: ۱۱؛ اشعیا ۴۵: ۵-۶؛ رومیان ۱: ۲۰

would that Designer have been? And for what purpose would He have designed us?²

How can we possibly find the answers to those big questions? What about all of the religions in the world – who has the Truth?

Our Creator's love for us explains why He created us in the first place. Because He loves us so much, He wants to have a relationship with us, not just for the short time while we are living on earth, but in His own spiritual world where there is no time, no death, no suffering and no disappointment.³ From our world's point of view, death is an enemy. It means the end of everything that's familiar to us, including, most especially, relationships with those whom we love. But from the Creator's point of view, death is the doorway to the end of death! And also the end of any hurt or sadness we may have experienced.⁴

So why put us on this earth *first*, or *at all*? To get us ready for the new life he has in mind for us. Think of babies in the womb. They're not meant to live there permanently, only to get ready! Death, then, is like coming out of the womb of this world into another, far better world! Humans also sometimes choose to marry and have children to express a new and different kind of love.

² Psalm 139:13-16, Acts 17:16-31, Ephesians 2:8-10

³ John 3:16-17

⁴ Hosea 13:14; 1 Corinthians 15:54-57

چگونه میتوانیم برای این سؤالهای بزرگ و مهم پاسخی بیابیم؟ از میان دینهای رایج در دنیا کدام يك حقیقت را در بردارد؟

عشق خالق ما ، برای ما این موضوع را توضیح می دهد که چرا او ما را در مرتبه اول آفریده است. چون او بسیار عاشق ماست، او میخواهد با ما در ارتباط باشد، نه تنها برای زمان اندکی که بر روی زمین زندگی میکنیم ، بلکه در جهان روحانیش که در آن خیری از زمان، مرگ ،رنج و اندوه نمیباشد. ۳

از دیدگاه جهان ما ، مرگ يك دشمن است. مرگ یعنی اتمام همه چیزهای آشنا برای ما که به ویژه شامل خاتمه یافتن رابطه ما با کسانی است که دوستشان داریم. اما از دیدگاه پروردگار ، مرگ دروازه ای است به پایان مرگ! و همچنین انتهای همه درد و ناراحتی که ما تجربه کرده ایم. ۴

پس چرا او ، اول ما را بروی زمین آورد ؟ تا ما را برای زندگی تازه ای که برای ما در ذهن داشت مهیا کند. به نوزادانی که در رحم مادر هستند فکر کنید. آنها قرار نیست برای همیشه در آنجا زندگی کنند، بلکه تا زمانی که آماده شوند! مرگ، همانند بیرون آمدن از رحم و ورود به دنیای دیگری است، دنیایی بس بهتر! انسانها همچنین گاهی انتخاب میکنند که ازدواج کرده و فرزندان بیآورند تا که گونه ای جدید و متفاوت از عشق را بروز دهند.

همه اینها را ما از کجا میدانیم؟ پروردگار ما برای ما پیامی فرستاده است . . . و ان پیام با این نام امضا شده " خدا".

۲- مزامیر ۱۳۹: ۱۳-۱۶، اعمال رسولان ۱۷: ۱۶-۳۱؛ افسسیان ۲: ۸-۱۰

۳- یوحنا ۳: ۱۶-۱۷

۴- هوشع ۱۳: ۱۴؛ کورینتیانس اول ۱۵: ۵۴-۵۷

How do we know all of this? Our Creator has sent us a message...and signed it "God."

Heaven

As people who live on a planet called Earth, it is hard for us to imagine a God who could be both in our world and beyond the outer edges of the universe. Where would that be? The simple answer is "in Heaven." But it's not as if Heaven is a place with either definable boundaries or an address. Heaven is as different a reality from this world as was our mother's womb in which we existed before we came into this world. How could one possibly have described birds, clouds, or sunsets (or ice cream!) to us in the womb! So the Bible (God's Word explained later in this manuscript) can only paint simple pictures of Heaven.

What's important is that Heaven is a spiritual world filled with spiritual creatures that God created long before He created our universe. Those creatures, known as angels, don't have flesh-and-bone bodies as we have (but the spiritual bodies they do have must be incredibly glorious!).⁵ As God's messengers to humankind, angels move instantaneously between heaven and earth, sometimes appearing in startling brightness, and sometimes behave like ordinary human beings -- eating and everything!⁶ When not on earth, angels serve God in worship before His heavenly

⁵ Matthew 22:30

⁶ Genesis 18:1-8

بهشت (آسمان-عرش)

از آنجایی که برای مردمانی که بر روی سیاره ای به نام زمین زندگی می کنند، تصور خدایی که بتواند در دنیای ما و هم فراتر از مرزهای دنیا وجود داشته باشد سخت است. کجا می تواند باشد؟ پاسخ بسیار ساده است: در آسمان (عرش). اما عرش يك مكان مشخص با يك نشانی خاص نیست. عرش متفاوت از حقیقت این دنیاست، همانند رحم يك مادر قبل از آنکه ما به این دنیا بیاییم. چگونه ممکن است کسی برای ما زمانی که در رحم مادر هستیم، از پرندگان، ابرها، و غروب خورشید (یا حتی بستنی!) بگوید. وانجیل (کلام خدا، که بعد در این نوشتار درباره آن خواهیم خواند) است که می تواند تصاویر ساده ای از عرش ترسیم کند.

آنچه مهم است، آن است که عرش دنیای روحانی است که با مخلوقات روحانی پر شده است که توسط خدای یکتا، بسیار پیش از آنکه دنیای ما را بیافریند، خلق شده اند. آن موجودات، که با نام فرشتگان شناخته می شوند، فاقد بدنی از گوشت و استخوان مانند آنچه در بدن وجود دارد هستند (اما بدنهای روحانی که دارند می بایست بسیار باشکوه باشد).^۵

به عنوان پیام رسان های خداوند، فرشتگان میان آسمان (عرش) و زمین هر لحظه در حرکتند، گاهی به شکل نور و روشنی شگفت انگیز ظاهر می شوند، و گاهی به مانند انسانهای معمولی رفتار می کنند و نمود می یابند. آن زمان که نه بر روی زمین، فرشتگان بندگی خدا می کردند و در پیشگاه مقام ملکوتی خداوند مشغول پرستش بودند، بسیار شبیه پادشاهی زمینی که بندگان در بارگاه خود دارد.^۷

۵- متی ۲۲:۳۰

۶- پیدایش ۱۸: ۱-۸

۷- مکاشفه ۷: ۱۱-۱۲

Throne, much like an earthly king might have servants in his court.⁷

At a time long before God created humankind on earth, an angel named Satan became too proud of himself and wanted to be worshiped, like God. Many other angels joined him in a war against God's faithful angels. For his rebellion, Satan and his evil angels (known as demons) were thrown out of heaven.⁸ On earth, Satan (also known as the Devil) tried to get God's new human creatures to join in his rebellion. Satan tempted Adam and Eve, the first man and woman created, to sin, causing them to be thrown out of their earthly paradise (the Garden of Eden) just as he had been thrown out of Heaven. This attitude of rebellion that Satan encouraged in the very first humans has been with us ever since, and continues every time you and I choose to dishonor God. The good news is that Satan is limited in what he can do to promote evil, while God's faithful angels are not limited in the good that they can promote, particularly in those who live as God desires us to live.

That is where the story comes full circle. It is this same Heaven that God has prepared for all those who live as God desires us to live. At the great Resurrection of the dead—when all the dead are raised and judged for their lives on earth—those who have been faithful to God will be with God and His angels forever! But in the story of Satan, there

⁷ Revelation 7:11-12

⁸ Isaiah 14:12-15; Luke 10:18

مدتها قبل از آنکه خداوند انسان را بر روی زمین بیافریند، فرشته ای به نام شیطان بسیار به خود مغرور شده بود و می خواست که همانند خداوند مورد پرستش و ستایش قرار بگیرد. بسیاری از دیگر نیز به او پیوستند تا در برابر فرشتگان بالیمان خداوند جنگ کنند. به خاطر تمرد و سرپیچی، شیطان و فرشتگان اهریمنی او (که به ارواح خبیثه مشهورند) از عرش بیرون انداخته شدند. ۸. بر روی زمین شیطان (اهریمن) تلاش کرد که انسانهایی را که خداوند تازه خلق کرده بود به شورش خود جذب کند.

شیطان آدم و حوا، اولین مرد وزنی که آفریده شدند، را وسوسه کرد که مرتکب گناه شوند، که موجب شد از بهشت روی زمین (باغ عدن) بیرون انداخته شوند، همانگونه که شیطان از عرش آسمان بیرون انداخته شده بود. آن سرپیچی و طغیان گری که شیطان در اولین انسانها ایجاد کرد، از آن زمان تا حالا با ماست، و تا هر زمان که من و شما خداوند را ارج ننهیم و شاکر نباشیم هم با ما خواهد بود.

خبر خوب آن است که شیطان محدود به آن شده که تنها شر و بدی را رواج دهد، در حالیکه فرشتگان صدیق خدا هیچ محدودیتی در هر گونه کار خیر و خوبی که بتوانند رواج دهند ندارند، خصوصا در مورد کسانی که به خواست و اراده پروردگارمان زندگی می کنند.

اینجاست که چرخه داستان کامل می شود. این همانوبهشت ملکوتی است که خداوند فراهم کرده و او مشتاق است که ما در آن زندگی کنیم. در روز بزرگ رستاخیز، آن هنگام که تمامی مردگان برمی خیزند و برای زندگی آنها بر روی زمین داورى و قضاوت می شوند، آنهایی که وفادار و مؤمن به خدا بوده اند با خدا و فرشتگانش خواهند بود!

۸- اشعیا ۱۴ : ۱۲-۱۵؛ لوقا ۱۰ : ۱۸

comes also a warning. The destiny of those who rebel against God on earth is the same destruction that awaits Satan and his demons for having rebelled against God in Heaven.⁹ This important difference in one's destiny after death is why it is so crucial for us to learn what God wants of us in this life, and to know how we can serve our Creator God as He deserves. So what has God told us about that? Where do we read and learn about these angels?

What kind of messengers would God send to give us His thoughts? Would He use men, prophets, divine beings or maybe both? How could we determine Truth from mere mortal opinions?

The Bible

In a way beyond our understanding, our Creator God caused 40 ordinary men over a period of some 1500 years to write down what He told them regarding the mysteries of life, death, and afterlife in the book known as the Bible. The writing of this book could not have been a merely human process, because everything fits together in a way not expected of human writings, and reflects precisely what we know of history, nature and human nature. Many of the writers were eyewitnesses to what they wrote, and the insights they give could not have come from humans alone.¹⁰ Many of the writings provided clues about nature, geography

⁹ Revelation 20:1-15

¹⁰ 1 Corinthians 2:9-10; 2 Peter 1:20-21; 1 John 1:1-3

اما در داستان شیطان يك هشدار وجود دارد. سرنوشت کسانی که روی زمین بر علیه خداوند طغیان و سرکشی کنند همانند ویرانی و نابودی خواهد بود که در انتظار شیطان ارواح خبیثه اش می باشد و آن به دلیل شورش و سرپیچی آنها بر علیه خداوند در عرش الهی است. ۹ تفاوت مهم در سرنوشت يك فرد پس از مرگ، نشان دهنده آن است که شناخت و فهم آنچه خدا از ما در زندگی می خواهد، و دانستن آنکه چگونه ما پروردگار را همانطور که شایسته آن است بندگان کنیم، چرا اینقدر حیاتی است. خداوند در این باره به ما چه گفته است؟ کجا درباره این فرشتگان بخوانیم و یاد بگیریم؟ چه نوع پیام رسانی را خدا برای ما میفرستد تا افکارش را به ما منتقل کند؟ چگونه ما می توانیم حقیقت را از عقاید مهلك تشخیص دهیم؟

انجیل

در مسیری فراتر از فهم ما، پروردگار ما، ۴۰ انسان معمولی را در بازه زمانی ۱۵۰۰ سال مأمور کرد که آنچه درباره رازهای زندگی، مرگ، و زندگی بعدی به آنها گفته بود، را در کتابی به نام انجیل بنویسند. نوشتن این کتاب نمی توانسته يك فرایند انسانی باشد، چون همه چیز به گونه ای کنار هم چیده شده که نمی توان از نوشتار يك انسان انتظار داشت، و منعکس کننده بسیار دقیقی است از آنچه ما به عنوان تاریخ، طبیعت، و ذات انسان می شناسیم. بسیاری از آن نویسندگان شاهد آنچه خود نگاشته اند بودند، و بینش و دیدگاهی که آنها می دهند نمی تواند از انسان باشد. ۱۰

بسیاری از این نوشته ها، سرنخ هایی درباره طبیعت، جغرافی، و باستان شناسی ارائه می دهند، آن هم سال هارپیش از آنکه این حقایق توسط بشر کشف شوند.

۹- مکاشفه ۱-۱۵: ۲۰

۱۰- کورینتیانس اول ۱۰-۹: ۲؛ دوم پطرس ۲۱-۲۰: ۱؛ اول یوحنا ۳-۱: ۱

and archaeology many years before man came to understand these facts.

The Bible itself is a collection of 66 books. In the first book, Genesis, it tells us how God created all things and made us humans in many ways like Himself. Like God, Who is a spirit being, we too are spirits, just packaged in fleshly bodies.¹¹ Also like God, we have the ability to freely choose between good and evil.¹² Unlike God, however, we sometimes choose to do things that are evil or sinful. On the other side of death, God has arranged that, like Him, we will only choose that which is good. But in order for us to grow to be like Him on the *other* side, on *this* side God must be like a father training His children to do what is right and good.

Genesis tells us about the very first man and woman God created, Adam and Eve.¹³ When they chose to disobey God, they were punished for their sin, just as any child should be disciplined by a father to be taught properly. Unfortunately, Adam and Eve's children, and their children, and all the rest of us who have come after them, have also sinned (which is to say, we've disobeyed our Creator-God).¹⁴ The birthplace and early history of mankind took place in what is known today as the Middle East.

¹¹ John 4:24; 1 Corinthians 3:16-17

¹² Deuteronomy 30:19; Joshua 24:15

¹³ Genesis 2:4-19

¹⁴ Romans 3:23; 5:12

انجیل خود مجموعه ای از ۶۶ کتاب است. در کتاب اول، پیدایش، با ما درباره این می گوید که چگونه خداوند همه چیزها را آفرید و ما انسانها را از بسیاری جهات شبیه خود خلق کرد. همانند خداوند، که موجودی روحانی است، ما نیز روح هایی هستیم که در کالبدی گوشتی بسته بندی شده ایم. ۱۱

همچنین همانند خداوند، ما نیز توانایی انتخاب آزادانه بین خیر و شر را داریم. ۱۲ با این حال بر خلاف خداوند، ما بعضی اوقات انتخاب می کنیم که کارهایی را انجام دهیم که شر و گناه آلود هستند. پس از مرگ، که خداوند آن را مقرر کرده، به مانند خودش، ما تنها آنچه را که خیر و خوبی استانتخاب خواهیم کرد. اما در راستای آنکه ما رشد کنیم تا به مانند خداوند در آن سوی دیگر (جهان بعدی) باشیم، در این سو (این جهان) خداوند به مانند یک پدر فرزندان را برای انجام آنچه خیر و نیکی است می بایست آموزش دهد.

کتاب پیدایش به ما می گوید که اولین مرد و زنی که خدا آفرید آدم و حوا بودند. ۱۳ هنگامی که آنها از اطاعت خداوند سر باز زدند، برای گناهی که مرتکب شده بودند مجازات شدند، همانند هر کودکی که توسط مادر، برای آنکه درست تربیت شوند، و نظم و انضباط داده می شوند. متأسفانه، فرزندان آدم و حوا، و فرزندان فرزندانشان، و همه باقی ما انسانها که بعد از آنها آمدیم نیز مرتکب گناه شدیم (به عبارتی دیگر ما از اطاعت آفریدگار خود سر باز زدیم). ۱۴ محل تولد و تاریخ اولیه بشر در مکانی رخ داده که امروز آن را خاورمیانه می دانیم.

۱۱- یوحنا ۴: ۲۴؛ کورینتیانس اول ۳: ۱۶-۱۷

۱۲- سفر تثنیه ۳۰: ۱۹؛ هوشع ۲۴: ۱۵

۱۳- پیدایش ۲: ۴-۱۹

۱۴- رومیان ۳: ۲۳؛ ۵: ۱۲

At one point in the early history of the earth, almost no one was listening to what God had to say. So God brought a great Flood on the earth, destroying all the people living at that time except for the family of a man named Noah, who was willing to do whatever God asked of him.¹⁵ Every accountable adult during that time had rejected God. After the population of the earth began to spread again, a particularly righteous man, Abraham, was called by God to go to a land 300 miles from his homeland.

Acting on faith in God's promise to bless him and his descendants, Abraham traveled to the area then known as Canaan, where most of the events recorded in the Bible take place.¹⁶ Abraham had two sons, Isaac and Ishmael. From Isaac and his son Jacob (later renamed Israel) would come "the children of Israel," about whom the Bible has much to say. (Today, their descendants are called Jews.) From Ishmael would come a group of people known as Arabs, most closely associated with Muhammad and his Muslim followers in the religion of Islam.

God gave to the Israelites through the prophet Moses what would become known as "The Ten Commandments."¹⁷ They're a list of "do's" and "don'ts" (like don't lie and don't steal) that a parent would teach a child to help them become good people. They also provide a foundation for a way in

¹⁵ Genesis 6:9-9:17; Hebrews 11:7

¹⁶ Genesis 12:1-5

¹⁷ Exodus 2:1-17

در زمانی، در تاریخ ابتدایی زمین، تقریباً هیچ کس به آنچه خداوند می گفت گوش فرا نمی داد. پس خداوند سیل عظیمی را بر زمین جاری کرد، و تمام مردمانی که در آن زمان زندگی می کردند را نابود کرد به جز خانواده مردی به نام نوح، کسی که هر آنچه خداوند از او می خواست مشتاقانه انجام می داد. ۱۵ همه افراد بالغ در آن زمان خدا را پس زده بودند. بعد از آنکه جمعیت زمین دوباره پراکنده و گسترده شد، مردی خاص و درستکار، با نام ابراهیم، توسط خداوند فراخوانده شد تا به سرزمینی در فاصله ۳۰۰ مایلی از موطنش برود.

ابراهیم برپایه ایمان و اعتقاد به وعده خداوند که او و خانواده اش را مورد رحمت خود قرار خواهد داد، به سرزمینی که بعدها کنعان نامیده شد رهسپار گردید. جایی که اکثر وقایع کتاب انجیل در آن رخ داده است. ۱۶ ابراهیم دو پسر داشت: اسحاق و اسماعیل. از اسحاق و فرزندش یعقوب (که بعدها اسرائیل نام گرفت) بنی اسرائیل به وجود آمدند، و آنان کسانی بودند که انجیل بسیار درباره ایشان سخن گفته است. (امروزه، نسل آنها قوم یهود خوانده می شوند.) از اسماعیل مردمانی به وجود آمدند که آنها را به عنوان قوم عرب می شناسیم، که بسیار مرتبط و نزدیک با محمد و پیروان مسلمان او در دین اسلام هستند.

خداوند به قوم اسرائیل (بنی اسرائیل) از طریق پیامبرش موسی آنچه به "ده فرمان" شناخته می شد را داد. ۱۷ آن فرمانها فهرستی از "بایدها" و "نبایدها" هستند (مثلاً دروغ نگویند و دزدی نکنید) همانگونه که والدین فرزندان را آموزش می دهند تا به او کمک کنند که آدم خوبی شود. آن فرمانها همچنین بنیاد و پایه ای ایجاد کردند به گونه ای که نوع بشر بتواند یاد بگیرد که با هم با احترام و هماهنگی زندگی کنند.

۱۵- پیدایش ۶: ۹-۹: ۱۷؛ عبرانیان ۱۱: ۷

۱۶- پیدایش ۱۲: ۱-۵

۱۷- خروج ۲: ۱-۱۷

which mankind can learn to live together with respect and harmony.

But the Jews had a bad habit of disobeying God, so throughout the two thousand years of that culture's early history, God worked hard to get their attention.¹⁸ Sometimes He used military victories or defeats. Sometimes He sent special messengers known as prophets to warn them. Sometimes He used miracles, like making dry paths through the sea, or raining food down from the sky. Sometimes He caused natural disasters, such as famines, fire, or earthquakes. But as is often true of children, the Jews were stubborn.

To God's amazement, they were influenced by pagan people in the nations around them to worship man made gods, represented by carved wood or stone idols. These so-called "gods" were made to look like things in nature (like animals or the sun), none of which would even exist had they not been made by the one true Creator God!¹⁹ Century after century, the Jews were in a constant cycle of rebellion. When God punished them for their disobedience, they would quit sinning and start obeying Him. But, just as with little children, before you could turn around, they were disobeying all over again!

¹⁸ Jeremiah 5:23; Hosea 4:16; Zechariah 1:2-6; 7:11-13

¹⁹ Jeremiah 10:1-16

اما یهودیان عادت ناپسند سرپیچی از اطاعت خداوند را داشتند، از این و در طول دو هزار سال تاریخ اولیه فرهنگ آنها، خداوند برای جلب توجه های بسیار سخت تلاش کرد. ۱۸ در بعضی مواقع او از پیروزیها و شکست های نظامی استفاده می کرد. گاهی او ، پیک های خاصی که به نام پیامبران شناخته می شوند را برای آگاهی و اخطار آنها فرستاد. گاهی او از معجزاتی همچون خشک کردن دریا یا بارش غذا از آسمان استفاده می کرد. در مواقعی هم او بلایای طبیعی را ایجاد می کرد، مثلاً خشکسالی ، آتش سوزی ، یا زلزله ها . ولی مانند اغلب بچه ها قوم یهود بازیگوش و خیره سر بودند.

قوم یهود تحت تأثیر مردمان بت پرستی که در ممالک همسایه آنها به پرستش خدایان ساخته دست خود مشغول بودند، بت های چوبی یا سنگی را عرضه کردند. آنها نیز "خدایان" نامیده می شدند ، به گونه ای ساخته شده بودند که شبیه چیزهای درون طبیعت باشند (مانند حیوانات یا خورشید) ؛ هیچ کدام از آنها اگر توسط یکی از مخلوقات حقیقی خدا ساخته نمی شوند هگز وجود نمی داشتند! ۱۹ قرن ها، قوم یهود در یک چرخه سرکشی و طغیان به سر بردند. هنگامی که خدا ایشان را برای سرپیچی و نافرمانی مجازات کرد ، آنها گناه کردن را ترک کرده و از خدا اطاعت می کردند. اما، همانند بچه های خردسال، خیلی زود ، بارها شروع به نافرمانی می کردند!

۱۸- ارمیا ۲۳: ۵؛ هوشع ۴: ۱۶؛ زکریا ۱: ۲-۶؛ ۷: ۱۱-۱۳

۱۹- ارمیا ۱۰: ۱-۱۶

Through the many centuries of their disobedience, God was a patient Father. God has always wanted all mankind, Jews, Gentiles and Arabs to come to know, respect and love Him.

God was working through this nation to bring about a long-range plan to deal with the problem of sin. Because sin always brings separation from God, there had to be a way to make it possible for us to live with God after we die. God's solution for sin would involve a great sacrifice on His part. But first, God had to introduce the very idea of sacrifice, so God gave a set of instructions to Moses, to teach the children of Israel how to worship and live pure lives.

In these "Laws of Moses," God commanded the people of Israel to worship Him by killing sheep and cattle and offering them up as sacrifices, with a focus always on the animal's blood, as if that blood could remove the guilt of their sins. There were also special kinds of washings, in which water was important for cleaning a person spiritually, as if the inner soul was being washed much like we wash the outer body.²⁰ A time was coming when both the blood of the sacrifices and the water of the ceremonial washings would find new meaning in God's great plan to save man from the punishment demanded by sin and to make way for a permanent life with God.²¹

²⁰ Ezekiel 36:24-26

²¹ Titus 3:5-7; Hebrews 10:19-22; 1 Peter 3:20-21; Revelation 7:13-14

p: داوند در طول قرن ها نافرمانی آنها ، يك پدر صبور بود. خداوند همواره می خواست که همه انسانها ، یهودیان ، بی دین ها و عرب ها، به جایی برسند که او را بشناسند ، به او احترام بگذارند و عشق بورزند.

خداوند روی این ملت کار کرد تا طرحی جامع برای حل مسئله گناه کردن بیاورد. چون گناه همواره جدایی و دوری از خدا را در بر دارد، و باید راهی برای ما وجود داشته باشد که آن را ممکن سازد که زندگی پس از مرگ در جوار خدا باشد. راه حل خدا برای مسئله گناه شامل يك قربانی بزرگ از جانب او بود، اما در ابتدا، خداوند می بایست ایده قربانی کردن را معرفی می کرد، پس خداوند يك سری رهنمودها و آموزش هایی به موسی داد تا که بنی اسرائیل را تعلیم دهد که به عبادت پردازند و خالص و حقیقی زندگی کنند.

در "قوانین موسی" خداوند مردم قوم اسرائیل را به پرستش خود با کشتن گوسفند و گاو و تقدیم کردن آنها به عنوان قربانی فرمان داده، باز تمرکز همیشگی بر خون حیوان، بلکه آن خون بتواند بار گناهان آنها را برطرف کند. همچنین انواع ویژه ای از غسل وجود داشت ، و آب برای تطهیر روح انسان دارای اهمیت بود؛ همانگونه که سطح بیرونی تن خود را می شوئیم ، روح درون نیز شسته می شود. ۲۰ زمانی آمد که خون قربانی ها و آب غسل مذهبی ، هر دو، معانی و مفاهیم تازه ای پیدا کردند تا در طرح عظیم خداوند برای نجات انسان از مجازات گناهانش ، راه را برای زندگی جاویدان در جوار خداوند هموار سازد. ۲۱

۲۰- حزقیال ۳۶: ۲۴-۲۶

۲۱- تیطوس ۳: ۵-۷؛ عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۲؛ اول پطرس ۳: ۲۰-۲۱؛
مکاشفه ۷: ۱۳-۱۴

It is on the second main part of the Bible (the New Testament) that God's plan is finally revealed. A child is born to a young woman, Mary, who has never had sexual relations with any man.²² Her son, Jesus, is as human as any other child who might have been born that same day, but (here is a great mystery...) He is also the Creator God Himself!²³ Amazingly, God actually came down into our sin-filled world so that He could solve the problem of sin. God would provide a way for humanity to be able to draw near to God's holy nature.

In the first part of the Bible (the Old Testament), God had appeared like a "father." In the New Testament, He appears like a "son," the Son of God, who at times talks with His spiritual "Father" even while He—the Son of Man (His own favorite name)—is walking around on the earth!²⁴ You might ask: "Can that really be true?" The answer is yes, but only because the "Father" and the "Son" are both truly God. Only a God intelligent and powerful enough to create the universe could be both "Father" and "Son" while remaining One God. This nature of God is not polytheistic, but is a complex unity of three essences.

In fact, the New Testament introduces us to a third way in which God appears in this world: as the Holy Spirit, who works through God's people to bring His plan for saving us

²² Luke 1:26-38

²³ John 1:1-18

²⁴ Matthew 11:25-27; John 10:30; 20:30-31; Colossians 1:12-14

در بخش دوم انجیل (عهد جدید) آمده است که عاقبت نقشه خداوند آشکار خواهد شد. از زن جوانی به نام مریم ، فرزندی به دنیا آمد ، در حالیکه او هیچ رابطه جنسی با هیچ مردی نداشته بود. ۲۲ پسر او ، عیسی ، يك انسان به مانند دیگر بچه ها بود که ممکن بود در آن روز به دنیا آمده باشند، اما) در اینجا راز بزرگی نهفته است ... (او همچنین ، خود خدای خالق بود! ۲۳ به طور شگفت آوری ، همانا خداوند به دنیای پر از گناه ما پا گذاشته بود، تا اینکه بتواند مشکل گناه را حل کند. خدا راهی را به بشریت عرضه کرد تا بتواند خود را به ذات مقدس پروردگار نزدیک کند.

در بخش اول انجیل(عهد قدیم) ، خداوند همانند " يك پدر " ظاهر شده است. در عهد جدید، او به مانند " يك پسر "

، فرزند خدا، نمایان شده که با " پدر " آسمانی خود ، در زمان های مختلف صحبت می کند، حتی هنگامی که او -فرزند خدا (اسم مورد علاقه اش) - در حال راه رفتن بر روی زمین است! ۲۴ شاید پرسید: " آیا این می تواند واقعاً حقیقت داشته باشد؟" پاسخ آن است که بله، اما تنها به این دلیل که " پدر " و " پسر " ، هر دو ، حقیقتاً خدا هستند. تنها يك خدای به غایت دانا و توانا که خالق جهان است می توانسته هم " پدر " باشد و هم " پسر " ، در حالی که خدای یگانه و واحد باقی می ماند. ذات خداوند مرکب نیست، اما جمع پیچیده ای از سه ذات است.

در واقع، عهد جدید شکل سومی که خداوند در این جهان تظاهر پیدا می کند را به ما معرفی می کند: به عنوان روح القدس، که از طریق مردان خدا عمل می کند تا طرح و نقشه خداوند برای رهایی و رستگاری را به ارمان بیاورد. ۲۵

۲۲- لوقا ۱: ۲۶-۳۸

۲۳- یوحنا ۱: ۱-۱۸

۲۴- متی ۱۱: ۲۵-۲۷؛ یوحنا ۱۰: ۳۰-۳۱؛ کولسیان ۱: ۱۲-۱۴

۲۵- یوحنا ۱: ۱۴؛ ۲۶: ۱۵؛ اعمال رسولان ۲: ۴۲؛ ۱۱: ۱۶-۱۷

into action.²⁵ So we see God as “Father,” God as “Son,” and God as the “Holy Spirit”—yet still One God!²⁶ That seems strange. Why do some people talk to themselves? Could it be that we have a complex nature also and we communicate between our heart and brain quite differently at times? The complexity of God’s identity and nature is mirrored simplistically in our own world.

When you think about it, it’s quite marvelous how God has created things even in nature that help us understand what is not natural but supernatural, not physical but spiritual.

Prophets, Priests, and Kings

The Bible has so many exciting things to tell us, it’s hard to know where to begin! But there are three important types of people in the Old Testament that help to introduce us to the most important figure in the New Testament; the God-man known as Jesus; and they are prophets, priests and kings.

1. We’ve mentioned that God sent prophets to warn the children of Israel about God’s punishment when they disobeyed Him. But these messengers also talked about a coming Prophet who would be God’s Ultimate Messenger to the world. A few of these prophets were Noah, Moses, Isaiah, Daniel, Ezekiel, and many others. Like them, this

²⁵ John 14:26; 15:26; Acts 2:42; 11:16-17

²⁶ Deuteronomy 6:4

پس ما خدا را به شکل "پدر" ، " پسر" ، و همچنین به شکل " روح القدس" می بینیم. - و او هنوز خدای یگانه است! ۲۶ که البته شاید عجیب به نظر بیاید. چرا برخی از مردم با خودشان حرف می زنند؟ آیا می تواند به این خاطر باشد که ما دارای يك ذات پیچیده هستیم یا اینکه در زمانهای مختلف، به شکل کاملاً متفاوتی میان دل و مغز خود ارتباط برقرار می کنیم؟ پیچیدگی هویت خداوند و ذات او درون دنیای ما به طور ساده ای منعکس شده است.

هنگامی که به آن فکر می کنید، کاملاً شگفت آور است که چگونه خداوند چیزها را در طبیعت به گونه ای آفریده که به ما، در درک آنچه نه تنها طبیعی نبوده، بلکه فراطبیعی است، نه به شکل فیزیکی بلکه به طور روحانی، کمک می کند.

پیامبران، کاهنان (کشیش ها) ، پادشاهان

انجیل چیزهای بسیار جالبی دارد که به ما بگوید، بسیار سخت است که از کجا شروع کنیم! به هر حال سه دسته مهم از انسان ها در کتاب عهد عتیق وجود دارند که به ما کمک می کنند تا با اشخاص مهم در کتاب عهد جدید آشنا شویم؛ خدا-انسان که او را به عنوان مسیح می شناسیم و پیامبران ، کاهنان و کشیش ها ، و پادشاهان.

۱- عنوان کردیم که خداوند پیامبران را از آن جهت فرستاده تا به بنی اسرائیل درباره مجازات الهی برای نافرمانی از او هشدار دهند .اما این پیام رسانان درباره پیامبری که خواهد آمد و پیام آور خاتم خداوند برای جهان خواهد بود نیز گفته اند. برخی از این پیامبران شامل : نوح، موسی، اشعیا، دانیال ، حزقیال ، و بسیاری دیگر. ومانند همه آنها ، پیامبر خاتم نیز درباره خطرات گناه هشدار می دهد.

Ultimate Prophet would warn about the dangers of sin. (Unlike them, this Prophet would also talk about the world to come after death.) They mistakenly thought this coming Prophet would reign as a political and military king in a glorious kingdom on earth. Over the centuries, many pretenders claimed to be this Messiah. But they all lived and died without that kingdom ever happening. So, who would that coming Prophet be. . .?²⁷

2. The Old Testament also tells us about how God introduced the role of priest by setting up certain worship leaders in Israel to oversee the animal sacrifices and rituals that God commanded to be observed; first, in a big portable tent (known as the tabernacle) and later, in a permanent structure (known as the Temple) in the city of Jerusalem. Priests, and especially the High Priest, were appointed to be God's spiritual representatives to His people. They were to promote pure living as an example to the people, and also to apply the blood of the sacrifices so that God could forgive the people of their guilt. Yet, none of the priests were ever totally pure themselves, and the blood of cattle and sheep was not powerful enough to cover the people's guilt. Another Priest would be needed for that. A totally pure Priest, and a Priest who could supply blood powerful enough to deal with the people's guilt. Who would that coming Priest be...?

²⁷ Luke 1:69-70; Hebrews 1:1-2; 1 Peter 1:10-12

(ولی بر خلاف آنها، این پیامبر ، درباره جهان پس از مرگ سخن می گوید.)
(به اشتباه آنها تصور می کنند که پیامبری که می آید به عنوان يك پادشاه
نظامی و سیاسی بر روی زمین حکومت خواهد کرد. در طول قرن ها، بسیاری
ادعای آن را داشته اند که مسیح هستند. اما همه آنها زندگی کردند و مردند،
آن پادشاهی حقیقی اتفاق بیفتد. پس آن پادشاهی که خواهد آمد چه کسی خواهد
بود... ۲۷؟

۲- عهد عتیق همچنین به ما می گوید که خداوند نقش کشیش (کاهن) را بدین
گونه معرفی می کند، از طریق معین کردن رهبران مذهبی در اسرائیل تا
حيوانات قربانی را سرپرستی کنند و رسومی را که خداوند دستور داده تحت
نظر داشته باشند، ابتدا در يك خیمه بزرگ (به عنوان پرستشگاه موقت) و
بعد، در يك ساختمان دائمی (که معبد نامیده می شد) در شهر اورشلیم. کاهنان
و خصوصاً کشیش اعظم، نمایندگان روحانی خدا برای مردمانش قلمداد می
شدند. آنها می بایست زندگانی با اخلاص را به عنوان يك نمونه به مردم رواج
می دادند، و همچنین از خون حیواناتی که قربانی می کردند برای بخشش
گناهانشان توسط پروردگار بهره می بردند. تا آن زمان هیچ يك از کاهنان ،
خودشان هیچ گاه اخلاص کامل نداشتند، و خون گاو و گوسفند قربانی آنقدر
قدرت کافی برای پوشاندن گناهان مردمانشان را نداشته است.

کاهنی دیگر برای آن نیاز بود . کاهنی با اخلاص کامل، کشیشی که بتواند
خون قربانی را با آن قدرت عرضه کند که توان مبادله با گناهان مردم را
داشته باشد. آن کشیش که خواهد آمد ، چه کسی می توانست باشد؟

۲۷- لوقا ۱: ۶۹-۷۰؛ عبرانیان ۱: ۱-۲؛ اول پطرس ۱: ۱۰-۱۲

3. A large part of the Old Testament contains story after story of Israel's kings. Good kings, bad kings, minor kings, and super kings. God had warned His people against having kings, but they insisted that they wanted kings like the nations around them. So God allowed them to have their kings—not because He thought it would be good for them (which it never was), but because God was slowly introducing them (and the whole world!) to the One who would be the King of Kings. By God's incredible plan, this coming King would be a descendant of one of Israel's best kings, King David.

David was a good king among many bad kings of Israel, but even David was a sinful man who committed adultery and went so far as to have the woman's husband murdered.²⁸ Yet, God loved David's heart! Unlike so many others who deny their sins and refuse to change their actions, King David was very sorry for his sin. He had a strong desire to be God's man.²⁹ How he would have loved to have seen the King who one day would be called "the Son of David." So who would be that coming King...?

Jesus, the Messiah Christ

When Jesus, the God-Man, was miraculously born in the little town of Bethlehem, to Mary, a virgin, fulfilling ancient well documented prophecies, everything about His humble

²⁸ 1 Samuel 13:14

²⁹ 2 Samuel 11:2-12:23; Psalm 51; Acts 13:22

۳- بخش بزرگی از کتاب عهد عتیق دربردارنده داستانهای زیادی از شاهان بنی اسرائیل است؛ پادشاهان خوب، پادشاهان بد، شاهان حقیر و شاهان بزرگ. خداوند مردمانش را در برابر داشتن پادشاهان هشدار داد، اما آنها اصرار ورزیدند به مانند ملت‌های دوروبرشان پادشاهانی داشته باشند. از این رو خداوند به آنها اجازه داد که پادشاهان خود را داشته باشند— نه به این دلیل که می‌پنداشت برای آنها خوب خواهد بود) که هرگز نبوده است(، بلکه از آن جهت که خداوند به آرامی و تدریجی آنها را (و تمام جهان را) با کسی که پادشاه پادشاهان خواهد بود آشنا می‌کرد. با طرح و نقشه باورنکردنی خداوند، آن پادشاه از سلاله یکی از بهترین پادشاهان بنی اسرائیل، داوود(شاه ، داوود) خواهد بود.

داوود يك پادشاه خوب در میان شاهان بد بنی اسرائیل بود، اما حتی داوود هم انسان گنهکاری بود که مرتکب زنا شده بود و تا جایی پیش رفت که شوهر آن زن را به قتل رساند. ۲۸ اما هنوز ، خداوند قلب داوود را دوست می‌داشت! برخلاف بسیاری از دیگران که گناهان خویش را انکار می‌کنند و از اینکه اعمالشان را تغییر دهند امتنا می‌کنند، داوود بسیار از گناه خود شرمسار بود. او تمایل درونی قدرتمندی داشت که مرد خدا باشد. ۲۹ تا چه حد ممکن است مورد لطف و محبوب باشد که پادشاهی را که روزی "فرزند داوود" خوانده خواهد شد ببیند؟ پس آن پادشاهی که خواهد آمد ، چه کسی می‌توانست باشد...؟

عیسی، مسیح موعود

هنگامی که عیسی ، مرد خدا ، در شهر کوچک بیت لحم به شکل معجزه آسایی از مریم، دختری باکره متولد شد، پیشگویی‌های مستدل پیشبینیان را رنگ واقعیت داد، همه چیز در رابطه با تولد فروتنانه و محقرش، یهودیان را به غلط می‌انداخت، از آنجایی که قرون متمادی به دنبال مسیحی بودند که در فکر آنها پادشاه سلحشور بنی اسرائیل خواهد بود.

۲۸- اول سموئیل ۱۳: ۱۴

۲۹- دوم سموئیل ۱۱: ۲- ۱۲: ۲۳؛ مزامیر ۵۱؛ اعمال رسولان ۱۳: ۲۲

birth felt wrong to the Jews who for many centuries had been looking for a Messiah they thought would be the great warrior-king of Israel. Although Jesus was a distant descendant of King David, His family's simple background was not what anyone would have expected. He didn't even have the physical appearance of someone who would stand out in a crowd. Nor was He educated by the Jewish rabbis (teachers) as a priest might be.

Many details of Jesus' birth, life and death were prophesied specifically in the Hebrew text of the Old Testament. For the first thirty years of His life, He kept mostly to Himself, working with His (not biological but earthly) father, Joseph, and then, after Joseph's death, taking care of His mother, Mary.

When Jesus finally left home to become a religious teacher, He surprised almost everyone, including His family and friends. Because He could perform the most incredible miracles (like changing water into wine³⁰, healing the blind,³¹ and making wild waves calm!³²), Jesus quickly became popular among the common people. And how they loved His teaching! Unlike the rabbis' complicated teaching, what Jesus taught was easy for anyone to understand.³³ One of Jesus' favorite methods of teaching was to use parables—

³⁰ John 2:1-12

³¹ John 9:1-41

³² Mark 4:35-41

³³ Mark 1:21-22

اگرچه عیسی از نسل شاه داوود بود ، اما پیشینه خانوادگی او به قدری ساده بود که برای هیچ کس قابل انتظار نبود. او حتی ظاهر فیزیکی کسی که در میان جمعیت متمایز باشد نداشت. و حتی توسط متعلمان (خاخام ها) یهودی به عنوان يك كاهن آموزش داده نشده بود.

بسیاری از جزییات تولد عیسی ، زندگی و مرگ وی در متن عبری "عهد عتیق" پیش گویی شده بودند. برای سی سال اول زندگی اش ، او بیشتر به به خویشتن پرداخت، با جوزف، پدرش (نه پدر واقعی و خونی اش)، کار می کرد، و سپس ، بعد از مرگ جوزف ، به مراقبت از مادرش، مریم، پرداخت.

هنگامی که عیسی سرانجام، خانه را ترك کرد تا که يك مبلغ مذهبی بشود، تقریباً همه را شگفت زده کرد، حتی خانواده و دوستانش را. چون او قادر به انجام غیر قابل باورترین معجزات بود) همانند تبدیل آب به شراب ۳۰، شفای فرد نابینا ۳۱، و آرام ساختن امواج خروشان! ۳۲)، عیسی خیلی زود در میان مردم مشهور شد. و چقدر که مردم تعلیم او را دوست می داشتند! بر خلاف تعلیم پیچیده خاخام های یهود، آنچه عیسی آموزش می داد برای هر کسی ساده و قابل فهم بود. ۳۳

یکی از روش های عیسی برای آموزش، استفاده از تمثیل ها و داستانهای اخلاقی بود و مثالهایی از طبیعت و موقعیتهای معمول زندگی که عیسی از آنها برای آموزش حقایق روحانی و ربانی بهره می برد. ۳۴

۳۰- یوحنا ۲: ۱-۱۲

۳۱- یوحنا ۹: ۱-۴۱

۳۲- مرقس ۴: ۳۵-۴۱

۳۳- مرقس ۱: ۲۱-۲۲

۳۴- متی ۱۳: ۱۰-۱۷

simple examples from nature or ordinary life situations that Jesus would use to teach spiritual truths.³⁴

Jesus' teachings were not like anything the world had ever heard. They were filled with hope, grace, love, and mercy. He spoke about loving one's enemies and doing good to all people no matter if they are deserving or not. Jesus taught His followers not to judge people by their position in life, how much money they might have, or by their gender or race. Jesus spoke frequently about helping children, widows, orphans, and the poor. Most importantly of all, Jesus spoke about, not simply a person's actions, but their heart—one's inner desires, motives, and reasons for their actions. To be sure, God judges our actions, but mostly our hearts!³⁵

For all His popularity among ordinary people, Jesus was not liked by the religious leaders of the Jews. He was quick to point out how arrogant and hypocritical they were when they insisted that the people should act one way when they themselves acted another way. It was not God's moral and spiritual laws they were teaching, said Jesus, but their own little rules. You can imagine how they reacted!³⁶ How could this uneducated, wandering Teacher possibly be the Messiah-Christ that the prophets of old had spoken about? How could anyone who refused to keep *their* own special rules be a priest? Worse yet, how could this man of peace

³⁴ Matthew 13:10-17

³⁵ Matthew 5:1-6:42

³⁶ Matthew 15:1-14

تعلیمات عیسی شبیه هیچ چیزی که تا به حال جهانیان شنیده بودند نبود، آنها پر از امید، عشق، و مهربانی بودند. او از عشق ورزیدن به دشمنان انسان و نیکی کردن به همه مردم می‌گفت، بدون توجه به اینکه سزاوار آن باشند یا نباشند. عیسی به پیروانش آموزش داد که انسان‌ها را بر اساس موقعیتشان در زندگی، بر اساس مقدار پولی که ممکن است داشته باشند، یا بر اساس جنسیت یا نژادشان قضاوت نکنند. عیسی مکرر درباره کمک کردن به کودکان، بیوگان، یتیمان، و فقرا صحبت می‌کرد. واز همه مهمتر، عیسی درباره این موضوع سخن می‌گفت که تنها اعمال انسان نیست که دارای اهمیت است بلکه نفس عمل — انگیزه درونی فرد، محرک‌ها، و دلایل انجام آن اعمال بسیار مهم است. و اطمینان داشته باشید که خداوند اعمال ما را قضاوت خواهد کرد ولی بسیار بیشتر قلبهای ما را! ۳۵

به دلیل این همه محبوبیت و شهرت در میان مردم عادی، عیسی مورد علاقه رهبران مذهبی یهود نبود. او خیلی سریع به عنوان يك فرد گستاخ و ریاکار از جانب رهبران مذهبی یهود مورد اشاره قرار گرفت و آن در حالی بود که آنها اصرار داشتند که مردم می‌بایست به يك روش عمل کنند، حال اینکه خود به راه و روش دیگری عمل می‌کردند. عیسی می‌گفت: آنچه که توسط ایشان تعلیم داده می‌شد قوانین روحانی و اخلاقی خداوند نبودند بلکه قوانین حقیر خودشان بود. می‌توانید تصور کنید که آنها چگونه واکنش نشان دادند! ۳۶ چگونه ممکن بود که آن فرد کم‌سواد، آن آموزگار سرگردان، همان مسیح موعود باشد که پیامبران پیشین از وی سخن گفته‌اند؟ چگونه ممکن است کسی که خود از قوانین ویژه آنها سرباز زده، خود کاهن باشد؟ حتی بدتر از آن، چگونه ممکن است که آن انسان آرام و صلح‌طلب، پادشاه سلحشور بزرگی باشد که بر قوانین امپراطوری روم شورش کند؟

۳۵- متی ۵: ۱-۶: ۲۲

۳۶- متی ۱۵: ۱-۱۴

be a great warrior-king to overthrow the rule of the Roman Empire? What upset them most, however, was Jesus' bold claim to be God! How dare He say He could forgive sins? Only God could forgive sins!³⁷ Jesus had included ALL people in the Good News He was proclaiming throughout the region.

So when Jesus' challenge to the Jews' teaching and their positions of authority became too much, they decided Jesus must be killed.³⁸ Using false claims and lying witnesses³⁹ (as well as an act of betrayal by one of Jesus' closest disciples, Judas⁴⁰) the Jewish leaders persuaded the Roman government to crucify Jesus by nailing Him to a wooden cross until He died.⁴¹

With Jesus now dead and buried, the religious leaders had finally gotten rid of this disturbing troublemaker. Or so they thought.... In the most amazing supernatural act in history, after three days in a sealed tomb, Jesus walked out of that tomb, *alive!*⁴² Many hundreds of witnesses saw Him, and several touched His risen body, still with the holes in His hands and feet where He had been nailed to the cross.⁴³ What else could explain such an incredible resurrection but

³⁷ Mark 2:1-12

³⁸ John 11:45-53

³⁹ Mark 14:55-59

⁴⁰ Matthew 26:14-16

⁴¹ John 19:1-37

⁴² Mark 16:1-14

⁴³ John 20:26-29; 1 Corinthians 15:3-8

با این حال، آنچه بیش از هر چیزی آنها را آشفته می کرد، ادعای جسورانه خدا بودن عیسی بود! چقدر شجاعانه گفت که می تواند گناهان را ببخشد؟ تنها خداوند است که می تواند گناهان را ببخشد! ۳۷ عیسی تمامی انسانها را مشمول خبرهای خوب خود که در آن منطقه اعلان کرده بود ساخت.

پس آن زمان که چالشهای عیسی با تعالیم یهودی بالا گرفت، آنها تصمیم گرفتند که عیسی را بکشند. ۳۸ با بهره گیری از ادعاهای واهی و شواهد دروغین ۳۹ (مثلاً عمل خیانت کارانه توسط یکی از پیروان نزدیک عیسی به نام جوداس) ۴۰، رهبران روم حکومت یهود را وادار کردند که عیسی را با میخکوب کردن به صلیب چوبین مصلوب کنند تا بمیرد. ۴۱

با عیسای مرده و به خاک سپرده شده، سرانجام رهبران ذینی یهود از مزاحمت ها رهایی یافتند. یا اینکه آنها این چنین فکر می کردند... در عجیب ترین رخداد فرا واقعی در طول تاریخ، بعد از سه روز درون مقبره مهر و موم شده، عیسی از آن مقبره بیرون آمد، زنده! ۴۲ صدها شاهد او را دیدند، و چندین نفر قامت برخاسته او را لمس کردند، که هنوز در دست و پاهایش سوراخ هایی که میخ ها برای مصلوب کردنش ایجاد کرده بودند وجود داشتند. ۴۳

۳۷- مرقس ۲: ۱-۱۲

۳۸- یوحنا ۱۱: ۴۵-۵۳

۳۹- مرقس ۱۴: ۵۵-۵۹

۴۰- متی ۲۶: ۱۴-۱۶

۴۱- یوحنا ۱۹: ۱-۳۷

۴۲- مرقس ۱۶: ۱-۱۴

۴۳- یوحنا ۲۰: ۲۶-۲۹؛ کورینتیانس اول ۱۵: ۳-۸

that Jesus was Who He claimed to be: the Prophet, Priest, and King spoken of by Israel's prophets? And, indeed, the very Son of God!

What's more, He was the ultimate sacrificial Lamb of God who had shed His own blood as the perfect sacrifice for sin.⁴⁴ On that cruel Roman cross, God's plan to save us from our sins was made complete. And in His incredible resurrection from the tomb came the undeniable proof that we, too, can have life beyond death! This life after death is available for ALL people around the world who accept Jesus as their Messiah.

“For God so loved the world, that He gave his only Son, so that whoever believes in Him might not be destroyed, but have a forever-life with God.” (John 3:16)

The Apostles

During the three years that Jesus was teaching and performing miracles, He was preparing twelve of His disciples to be special ambassadors, or apostles, to spread the word about Jesus; first to the Jews and then to all the world.⁴⁵ Like Jesus Himself, these twelve men were outsiders to the religious establishment. Unlike Jesus, each of them had character flaws and sins that sometimes make you wonder what potential Jesus saw in them. Yet they are a

⁴⁴ Hebrews 9:1-10:18

⁴⁵ Matthew 10:2-4

چه چیزی می توانست همچین بازسازی غیر قابل باوری را توضیح دهد جز عیسی که او همان کسی بود که ادعا کرده بود: پیامبر، کاهن (کشیش) ، و پادشاهی که پیامبران بنی اسرائیل درباره اش گفته بودند. و در حقیقت ، پسر راستین خدا!

به علاوه، او نهایتِ قربانی خدا بود که خون اش به عنوان قربانی کامل برای رفع گناهان ریخته شد. ۴۴ بر روی آن صلیب رومی نامهربان ، طرح و نقشه پروردگار برای نجات ما از گناهانمان کامل گشت. و احیا و دوباره زنده شدن او در مقبره، اثباتی غیر قابل انکار برای آن بود که ما نیز می توانیم پس از مرگ حیات دوباره بیابیم!

این زندگی پس از مرگ برای تمامی انسانهای روی زمین که عیسی را به عنوان مسیح و موعود بپذیرند مهیا و مقدر خواهد بود.

" زیرا خداوند به قدری مردم جهان را در دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد ، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد." (یوحنا ۱۶: ۳)

فرستادگان

در طول سه سالی که عیسی مشغول تعلیم دادن و آوردن معجزاتش بود، به آماده کردن دوازده تن از حواریون خود پرداخت که سفیران ویژه اش باشند، یا به عبارتی فرستادگانی که کلام عیسی را گسترش دهند ؛ ابتدا برای یهودیان و سپس برای تمام جهانیان. ۴۵ همانند خود عیسی، این دوازده مرد از نخبگان مذهبی بودند. اما بر خلاف عیسی ، هر يك از آنها دارای عیوب و نواقص شخصیتی بودند و گناهایی داشتند که گاه شما را متعجب می کند که عیسی چه پتانسیلی در وجود آنها دیده بوده که ایشان را برگزیده است.

۴۴- عبرانیان ۹: ۱- ۱۰: ۱۸

۴۵- متی ۱۰: ۲- ۴

reminder that God uses flawed and sinful people like ourselves to tell other flawed and sinful people how much God loves them!

For forty days after His resurrection, Jesus spent time with His eleven apostles, preparing them for their mission. (The twelfth apostle, Judas, had committed suicide after betraying Him.) Jesus told them that He had to go back into Heaven, but that He would send them the Holy Spirit to encourage them and guide them in their mission.⁴⁶ Then, in the presence of His apostles, Jesus ascended into heaven from which He said one day He would return to judge the world.⁴⁷

The Early Church

Under the leadership of the apostles, this movement of baptized Jesus-followers (soon called “Christians” after their Lord and Savior, Jesus the *Christ*) began meeting together for worship and fellowship. These Jewish Christ-believers praised God in the Temple for sending His Son as the promised Messiah. But there were important differences between their former worship as Jews and their new worship as disciples of Jesus. Instead of their special Sabbath (our “Saturday”) worship in the Temple or in synagogues (places of religious instruction), they met together in private homes

⁴⁶ John 14:25-26

⁴⁷ Luke 24:50-51

آنها یادآور آن بودند که خداوند از افراد دارای عیب و گنهکاری همچون خود ما استفاده کرده ، تا به دیگر مردمان دارای عیب و گناه بگوید که خدا تا چه حد عاشق آنهاست!

عیسی بعد از دوباره زنده شدن ، برای مدت چهل روز با یازده تن از حواریون خود وقت گذراند و آنها را برای مأموریت ایشان آماده می کرد(از دوازده حواریون ، یهوذا پس از خیانت به عیسی خودکشی کرد). عیسی به آنها گفت که باید به عرش ملکوت بازگردد، اما او برای آنها روح القدس را خواهد فرستاد تا ایشان را در راه مأموریتشان هدایت کند. ۴۶ سپس، در حضور حواریون، عیسی به عرش عروج کرد، همانجایی که او گفته بود که روزی از آنجا جهان را قضاوت خواهد کرد. ۴۷

کلیسای اولیه

تحت رهبری حواریون، جنبش پیروان غسل تعمید داده شده عیسی(که به دنبال سرور و ناجی، عیسی مسیح، "مسیحیان" نامیده شدند) شروع به تجمع و دیدار یکدیگر برای عبادت و پرستش کردند. این یهودیان معتقد به مسیح ، در معبد، خداوند را برای آنکه فرزندش مسیح موعود را فرستاده بود ستایش و پرستش می کردند. اما تفاوتهای مهمی میان عبادت آنها در قبل به عنوان یهودی با عبادت جدید به عنوان پیروان عیسی وجود داشت. به جای شنبه های خاص آنها که به عبادت در معبد یا در کنیسه ها (مکان تعالیم مذهبی یهودیان) می پرداختند، حال در اولین روز هفته (یکشنبه) ملاقات میکردند ، روزی که عیسی در آن روز از مقبره بیرون آمد. ۴۸

۴۶- یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶

۴۷- لوقا ۲۴: ۵۰-۵۱

۴۸- مرقس ۹: ۱۶؛ اعمال رسولان : ۷: ۲۰؛ رومی ها ۱۶: ۵

on the first day of the week (our “Sunday”), the day on which Jesus walked out of the tomb.⁴⁸

The central focus of their simple worship each week was remembering Jesus’ sacrificial death by drinking wine and eating unleavened bread, just as Jesus had taught His disciples to do in His memory. The wine represents Christ’s blood, while the bread represents Christ’s body on the cross, given to take away our sins. As we drink the wine and eat the bread, we look back to the cross and the empty tomb with thankfulness, and forward with hope to Christ’s return.⁴⁹

In Christian worship, no longer are there any animal sacrifices, human priests, complicated rituals, special feasts, or any of the other acts of worship that had been required under the Laws of Moses. Jesus Christ is our High Priest! He is our Sacrificial Lamb whose blood once and for all time has done what the blood of animals could never do!⁵⁰ As the spiritual body of Christ, the early church (all those who were baptized believers) joined together in prayer, in singing, and in listening to the teaching brought by mature disciples of Christ. As any physical family would do, this spiritual family regularly ate together as a way of having closer fellowship.

⁴⁸ Mark 16:9; Acts 20:7; Romans 16:5

⁴⁹ 1 Corinthians 11:17-34

⁵⁰ Hebrews 10:1-14

عبادت ساده آنها در هر هفته با نوشیدن شراب و خوردن نان فطیر و متمرکز بر مرگ فداکارانه عیسی بود ، همانگونه که عیسی به حواریون خود تعلیم داده بود تا که در یادبودش انجام دهند . شراب نماد خون مسیح است ، در حالیکه نان نماد بدن مسیح بر صلیب می باشد که برای از بین بردن گناهان ما نثار شده است. همانطور که شراب می نوشیم و نان می خوریم ، به صلیب و به مقبره خالی و با امید به بازگشت مسیح می نگریم. ۴۹

در عبادت مسیحیان ، دیگر هیچ حیوانی قربانی نمی شود، کاهنی ، رسوم پیچیده ، جشن های خاص ، یا هر يك از دیگر اعمال عبادی که تحت قوانین موسی لازم به اجرا بود انجام نمی شود. عیسی مسیح کاهن اعظم ماست ! او گوسفند قربانی ماست که خون او يك بار برای همیشه کاری را که هرگز حیوان های قربانی نمی توانستند انجام دهند، انجام داده است . ۵۰ همانند کالبد روحانی مسیح، کلیسای اولیه (متشکل از معتقدین غسل تعمید داده شده) جمع می شدند تا دعا کنند ، بخوانند ، و به تعالیمی که توسط حواریون مسیح آورده شده بود گوش فرا دهند. به مانند اعضای يك خانواده، این خانواده روحانی به شکل منظم با یکدیگر غذا می خوردند تا دوستی نزیک تری داشته باشند.

۴۹- کورینتیانس اول ۱۱:۱۷-۳۴

۵۰- عبرانیان ۱۰: ۱-۱۴

They also generously shared their financial resources to take care of anyone who might be in need.⁵¹

During those early years, the Holy Spirit was actively working among those on-fire believers, and especially through the apostles, who were given the power to perform miracles as signs to their hearers that their “good news” message was truly from God. It was an exciting time for those very first Christians, and they couldn’t help but share the good news with their families, friends, and even strangers.

This Good News, or the Gospel, was taught to Arabs, Gentiles and Jews. So many of them were converted to Christ that the church grew enormously; even though many of these new Christ-followers were persecuted by being put into prison, killed, or simply were shunned by their own families for converting to another faith.

In order for these new Christians to grow and mature spiritually, the apostles wrote letters of instruction, encouragement, and sometimes even rebuke. These letters are formally known as the Epistles. Most of them were written by a specially-appointed apostle named Paul, a former Jewish superstar who was in charge of persecuting Christians until the day that he was personally confronted by the risen Christ.⁵² That life-changing experience led Paul to become the most well-known of the apostles, preaching the

⁵¹ Acts 2:42-47

⁵² Acts 22:1-21

آنها همچنین با کرامت فراوان ، منابع مالی خود را برای کسانی که ممکن بود محتاج باشند تقسیم می کردند. ۵۱

در طول آن سالهای نخستین ، روح القدس به شکل فعالانه در میان آن معتقدان مشتاق کار می کرد، وبه ویژه از طریق حواریون ، که به آنها قدرت اجرای معجزه برای مخاطبین آنها داده شده بود تا به عنوان نشانه هایی باشد که این پیام های خوش خبر حقیقتا از جانب خداوند آمده اند. زمان بسیار هیجان انگیزی برای مسیحیان اولیه بود، و آنها اگرچه نمی توانستند کمکی بکنند، ولی آن اخبار نیکو را با خانواده هایشان، دوستانشان و یا حتی افراد غریبه در میان می گذاشتند.

این اخبار خوب ، یا بشارت ، به اعراب ، کافران، و یهودیان تعلیم داده شد. بسیاری از آنها به مسیح گرویدند به طوری که آن کلیسا فوق العاده رشد کرد، حتی با وجود اینکه بسیاری از این پیروان جدید مسیح از طریق زندان و یا اعدام مجازات شدند و یا حتی توسط خانواده هایشان برای تغییر دین خود به دین دیگر، رانده شدند.

از آنجا که مسیحیان جدید رو به افزایش بودند و از لحاظ روحانی نیز به بلوغ رسیده بودند، حواریون به نگاشتن نامه های آموزشی ، ترویجی ، و حتی گاهی ملامت کردن پرداختند. این نامه ها با عنوان رسالات شناخته می شوند. اکثریت آنها توسط یکی از حواریون ویژه به نام پولس ، که یک یهودی مشهور بود که مسئولیت مجازات مسیحیان را بر عهده داشت ، تا روزی که خود شخصا با مسیح برخاسته مواجه شد. ۵۲ آن تجربه مهم تأثیرگذار ، پولس را به مشهورترین حواریون مبدل کرد که به وعظ و سخنرانی از اخبار خوب درباره عیسی در تمام گستره مدیترانه باستان پردازد.

۵۱- اعمال رسولان ۴۲: ۲-۴۷

۵۲- اعمال رسولان ۱: ۲۲-۲۱

Good News about Jesus all over the ancient Mediterranean world. His three missionary journeys took him to modern-day Turkey, Greece, and Italy.

Paul's first challenge was to convince his fellow Jews that, as believers in Jesus the Messiah, they no longer needed to follow many of the legalistic regulations of the old Laws of Moses. However, the basics of the Ten Commandments continue to be utilized in most modern day cultures as standards that promote harmony, peace and social justice.

Over and over, Paul had to remind them that they were being saved by God's grace, not by doing good works or by the human effort of strict law-keeping; even though those who accept Jesus as their Messiah would have the desire to do good works.⁵³ More challenging yet, Paul was telling them that salvation in Christ was for everyone in the world, not just for the Jews. Well, you can imagine their response. How dare God save the "sinful Gentiles" who weren't part of His chosen nation of Israel! But Paul insisted that Jesus tore down the wall separating Jews, Arabs and Gentiles, even as Jesus himself had begun to demonstrate during His own ministry when He reached out to people who were not Jews.⁵⁴

As the scriptures recorded in the Bible come to an end, we find a book known as The Revelation to John⁵⁵, or simply

⁵³ Ephesians 2:8-9

⁵⁴ Ephesians 2:11-22

⁵⁵ Revelation 2:1-3:22

سه سفر وی به عنوان مبلغ مذهبی به ترکیه امروزی ، یونان و ایتالیا بود.

اولین چالش پولس این بود که آن دسته از یاران یهودی اش که به مسیح معتقد بودند را متقاعد کند که دیگر نیازی به پیروی از بسیاری از قوانین قدیمی موسی ندارند. به هر حال، اساس " ده فرمان " کماکان در فرهنگ های مدرن امروز نیز به عنوان استانداردهایی برای توازن ، صلح، و عدالت اجتماعی به کار می روند.

بارهای بار، پولس می بایست به آنها یادآوری می کرد که ایشان با مرحمت خداوند نجات یافته اند، و نه از طریق انجام کارهای خوب یا از طریق تلاش های انسانی برای رعایت قوانین ؛ و اینکه حتی آن کسانی که عیسی را به عنوان مسیح موعود پذیرفته اند مشتاق به انجام کارهای نیک هستند. ۵۳ پولس به آنها می گفت که رستگاری در مسیح برای همه انسان های جهان است، و نه تنها برای یهودیان. خوب، شما می توانید تصور کنید که پاسخ آنها چه بود. چگونه ممکن است خداوند " کافران گناهکار " را که از قوم برگزیده بنی اسرائیل نبوده اند نجات دهد؟! اما پولس اصرار و تأکید داشت که عیسی ، دیوار جدایی میان یهودیان ، اعراب ، و کافران را برچیده است ، حتی خود عیسی در طول دوران صدارتش در مواجهه با افراد غیریهود ، آن را نشان داده و اثبات کرده بود. ۵۴

همانطور که دستنوشته های ثبت شده در کتاب انجیل به پایان می رسد، به کتابی می رسیم که به اسم مکاشفات یوحنا شناخته می شود. ۵۵، یا به اختصار " مکاشفه".

۵۳- افسسیان ۸: ۲-۹

۵۴- افسسیان ۱۱: ۲-۲۲

۵۵- مکاشفه ۱: ۲ - ۲۲: ۳

“Revelation.” While the apostle John was living as a prisoner on the Greek island of Patmos, he received a series of visions directly from Jesus, telling him to write letters to seven churches located in what we know as modern-day Turkey. The letters complimented those churches for various acts of faithfulness, but mostly they warned about ways in which the disciples in those churches needed to improve their attitudes and actions.

Being faithful as a Christian is no easy matter. Using highly-figurative, often mind-blowing words and images, Jesus paints a picture in The Revelation of fantastic events related to His return to the earth to judge the living and the dead. When that day comes, Jesus will appear with frightening sight and sound; all the dead will be raised from their graves; each person will be judged for how they have responded to God; the faithful will enter into God’s own forever-world; and the wicked will be punished and destroyed forever.

What is the message of this incredible last book of the Bible? Quite simply: God calls us to remain faithful no matter what obstacles might be put in our way, and to remain morally pure in a world that laughs at moral purity. God himself will take care of everything else, including the triumph of good over evil, and the defeat forever of suffering, struggle, disappointment, and death. God offers grace for all who come to love Him, with the knowledge that Believers may

هنگامی که یوحنا) از حواریون(به عنوان يك زندانی در جزیره پتموس یونان زندگی می کرد ، يك سری الهامات به طور مستقیم از عیسی دریافت کرد که به او می گفتند که نامه هایی برای هفت کلیسا که در ترکیه امروزی قرارداشتند بفرستد. این نامه ها به آن کلیساها برای اعمال مختلف اعتقادیشان نظر می داد، اما آنها بیشتر درباره روشهایی بودند که پیروان در این کلیساها لازم داشتند تا رفتار و اعمالشان را بهبود ببخشند.

با ایمان بودن به عنوان يك مسیحی موضوع ساده ای نیست. با استفاده از تمثیلات، کلمات و تصاویر اعجاب انگیز ، عیسی تصویری از وقایعی شگرف از بازگشتش به زمین برای داوری و قضاوت زندگان و مردگان ترسیم می کند. آن هنگام که آن روز بیاید ،عیسی با صدا و ظاهری رعب آور پدیدار خواهد شد؛ تمامی مردگان از گورهای خود برخوانند خاست؛ افراد با ایمان به دنیای جاویدان خداوند وارد خواهند شد، و گنهکاران مجازات شده و برای همیشه نابود خواهند شد.

پیام این بخش حیرت انگیز انجیل چیست؟ بسیار ساده است: خداوند ما را می خواند تا با ایمان باقی بمانیم فارغ از آنکه چه موانعی ممکن است در مسیرمان قرار بگیرد، و می خواهد که به اخلاص در اخلاق می خندند، از لحاظ اخلاقی پاکدامن بمانیم. خداوند خود مراقب دیگر چیزها خواهد بود، از جمله پیروزی خیر بر شر، و شکست رنج، تقلا، ناامیدی ، و مرگ. خداوند رحمت خود را برای هر آنکس به او عشق بورزد ،عرضه می کند، با علم به اینکه مؤمنان به خاطر آن ابدیت شگفت انگیزی که در انتظارشان است ،حیاتشان را با نیت و صلح و آرامش زندگی می کنند.

live this life with purpose and peace for the wonderful eternity that awaits.

How can a person know that the words in this special book, the Bible are indeed Truth? The words found in this Book have survived for more than 2000 years. Documented prophecies have been fulfilled and recorded by eye witnesses, archaeological finds have verified details of cities and civilizations, scientific facts ignored by mankind for centuries were found to be true and even descriptions of dinosaurs are in this Book. If false prophets wanted to make up stories about God, His Creation and history, would these be the stories they would make up? This special Book gives credence to a Supreme Creator using flawed mankind to carry out His message of love and redemption.

May the God of love, grace, peace and forgiveness guide you.

If you have any questions you'd like to ask, please feel free to contact those whose contact details appear in the space below:

چگونه فردی می تواند بفهمد که کلمات درون این کتاب خاص ، انجیل، حقایق واقعی هستند ؟ کلماتی که در این کتاب ، انجیل، آمده برای بیش از دو هزار سال باقی مانده اند. پیشگویی های مستندی توسط شاهدان عینی انجام و ثبت شده اند، یافته های باستان شناسی ، جزییاتی درباره شهرها، تمدن ها، و واقعیت های علمی که برای قرون متمادی توسط بشریت نادیده قرار گرفته بودند. اگر پیامبران دروغین می خواستند داستانهایی درباره خدا ، خلقت و تاریخ او بسازند، آیا این کتاب ، انجیل، می توانست داستانهایی باشد که آنها ساخته باشند؟ این کتاب خاص با استفاده از بشر خطاکار ، اعتقاد به خالق اعظم را به ارمغان می آورد تا پیام خدا را برای عشق و رستگاری به انجام رساند.

باشد که خدای عشق ، محبت ، صلح و بخشش شما را هدایت کند.

هر گونه سؤالی داشته باشید که بخواهید پرسید، لطفاً با راه های ارتباطی که در زیر آمده است تماس بگیرید:

Many thanks to F. LaGard Smith and Ali Manouchehri for their wisdom, insight and translation in the text of this booklet. Also, thanks are given for the financial underwriting of the publication, provided privately by devoted Christians.

My grandfather was named Rufus Burton Parkes. There is an obscure reference to “Rufus” in Romans 16:13 as being a “choice man in the Lord”. Mark 15:21 mentions that Simon of Cyrene, the father of Alexander and Rufus, was pressed into service to carry the cross of Jesus as He was being led away to His execution.

May we all be found to be “choice brothers and sisters in the Lord”!

Dedicated to Rufus and Stella Parkes, and my parents, Roger and Sara Church, who taught their children to love the Lord.

Susan Saunders, Hillsboro Church of Christ, Nashville,
Tennessee, USA

